

## چکیده

تعریف مرور زمان در امور مدنی، عبارت از گذشتن مدت زمانی است که پس از آن شخص مالک چیزی می گردد یا حقی ساقط می شود یا دعوایی در دادگاه شنیده نمی شود. مرور زمانی که در قانون آیین دادرسی مدنی سابق ایران پیش بینی شده بود از نوع مرور زمان عدم استماع دعوا به شمار می آمد که در صورت ایراد خواننده دعوا، دادگاه از رسیدگی به دعوا خودداری می کرد و اگر خواننده ایراد نمی کرد دادگاه مکلف بود به دعوا رسیدگی کرده و حکم صادر نماید. با این حال در تاریخ ۶۱/۱۱/۲۷ از سوی شورای نگهبان قانون اساسی غیر شرعی اعلام شد. از طرف دیگر در قوانین مختلفی که مورد تأیید این شورا واقع شده است مواعد و مهلت هایی وجود دارد که از نظر ماهیت تفاوتی با مرور زمان ندارند و با انقضای آنها اصل حق مدعی، از جمله حق اقامه دعوا ساقط می شود؛ همچنین مرور زمان در برخی قوانین مانند قانون بیمه و تجارت به قوت خود باقی است. از سوی دیگر، قاعده مرور زمان در اسناد بین المللی راجع به قراردادها (اصول حقوق قراردادهای اروپا، اصول قراردادهای تجاری بین المللی و کنوانسیون مرور زمان در بیع بین المللی کالا مصوب ۱۹۷۴ و اصلاحی ۱۹۸۰) و حقوق کشورهای اسلامی، با در نظر گرفتن موارد شروع، انقطاع و تعلیق و... مورد پذیرش واقع شده است. هدف از پژوهش حاضر بررسی مواعد دادرسی و مقایسه آن با مرور زمان در آیین دادرسی مدنی می باشد که سعی شده است با مراجعه به کتب حقوقی و فقهی و دست یابی به نظرات حقوقدانان و بررسی مواد مختلف راجع به مرور زمان در اسناد بین المللی راجع به قراردادها، راهکاری برای قانونگذار در جهت تدوین مواد نو و مطابق با نیازهای روز ارائه شود.

## واژگان کلیدی:

مواعد، مرور زمان، آیین دادرسی مدنی

## فهرست مطالب

مقدمه	۱
۱. طرح مسئله	۱
۲. زمینه، سابقه و تاریخچه پژوهش	۴
۳. فرضیات پژوهش	۹
۴. اهداف پژوهش	۹
۵. روش انجام تحقیق	۱۰
۶. نمودار گردش کار	۱۱
۷. ساختار تحقیق	۱۲
<b>فصل اول : کلیات</b>	<b>۱۳</b>
مبحث اول : مواعد دادرسی	۱۴
گفتار اول: مواعد ، اقسام و شرایط آن	۱۴
بند اول : انواع وقت دادگاه	۱۴
بند دوم : اقسام مواعد	۱۵
بند سوم : نحوه احتساب مواعد	۱۵
بند چهارم: اقسام مواعد قانونی	۱۶
بند پنجم: مواردیکه باید فوراً رسیدگی شود	۱۷
بند ششم : انواع مدت ها	۱۸
مبحث دوم : مرور زمان	۲۵
گفتار اول : کلیات مرور زمان	۲۷
بند اول : مفهوم مرور زمان	۲۷
بند دوم : اقسام مرور زمان	۲۸
بند سوم : نگرشی بر ماهیت حقوقی مرور زمان	۳۰

گفتار دوم : سابقه تاریخی مرور زمان .....	۳۱
بند اول : سابقه مرور زمان در تاریخ حقوق ایران .....	۳۱
بند دوم : سرگذشت تحلیلی مرور زمان در حقوق ایران .....	۳۳
بند سوم : دلایل تأثیر مرور زمان .....	۴۰
گفتار سوم : مرور زمان در حقوق تطبیقی .....	۴۸
بند اول : مرور زمان در آیین دادرسی مدنی فرانسه .....	۴۸
بند دوم : مرور زمان در حقوق مصر و لبنان .....	۵۰
<b>فصل دوم : مقایسه مواعد و مرور زمان در قانون آیین دادرسی مدنی .....</b>	<b>۵۵</b>
مبحث اول : بررسی دیدگاه های مختلف .....	۵۶
بند اول : دیدگاه شورای نگهبان .....	۵۶
بند دوم : مبانی مرور زمان مدنی در فقه اسلامی .....	۵۹
مبحث دوم : آثار دادرسی فوری در حقوق ایران .....	۸۲
گفتار اول : اثر قرار دستور موقت بر خواهان .....	۸۳
بند اول : خواهان پس از صدور قرار دستور موقت، اقامه دعوا نماید .....	۸۳
بند دوم : خواهان پس از صدور قرار دستور موقت، اقامه دعوا ننماید .....	۸۵
گفتار دوم : اثر قرار دستور موقت بر خواننده .....	۸۵
گفتار سوم : اثر قرار دستور موقت بر اشخاص ثالث .....	۸۶
بند اول : ورود یا جلب ثالث .....	۸۶
بند دوم : خسارات وارد شده به ثالث .....	۸۸
گفتار چهارم : حدود مسئولیت قاضی .....	۸۹
<b>نتیجه گیری .....</b>	<b>۹۰</b>
<b>منابع .....</b>	<b>۹۵</b>

### ۱. طرح مسئله

بعد از استقرار نظام جمهوری اسلامی، شورای نگهبان اقدام به بررسی قوانین از حیث مغایرت با شرع اسلام نمود و در همین راستا قوانینی کلاً یا جزاً "نسخ گردیدند و از جمله مواد ۷۳۱ تا ۷۳۹ قانون آیین دادرسی مدنی سابق که مربوط به «مرور زمان» در دعاوی بود را نسخ کردند و به آثار آن در قانون مذکور پایان دادند به گونه ای که تا سال ۱۳۷۹ که قانون جدید به تصویب رسیده باب مرور زمان تعطیل بود و در قانون جدید نیز ذکری از آن به میان نیامد و مبحث آن حذف گردید؛ اما با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ برای نخستین بار شاهد بیان جزییات این موضوع هستیم. مرور زمان از حیث لغوی به معنای گذشت زمان است، درباره تعریف اصطلاحی مرور زمان باید گفت که در پاره‌ای موارد قانونگذار پیش‌بینی کرده است که بعد از گذشت مدت زمانی معین، اقدام به صدور، اجرا یا تعقیب متهم نشود. وجود سه نوع مرور زمان در قانون مجازات اسلامی جدید شامل مرور زمان تعقیب، صدور و اجرای حکم. مرور زمان تعقیب و صدور حکم در ماده ۱۰۵ این قانون آمده است و بر اساس این ماده، مرور زمان در صورتی تعقیب جرایم موجب تعزیر را موقوف می‌کند که از تاریخ وقوع جرم تا انقضای مواعد معین، تعقیب صورت نگرفته یا از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی تا انقضای این مواعد منتهی به صدور حکم قطعی نشده باشد. طبق بند الف ماده ۱۰۵ نیز اگر یک جرم تعزیری درجه یک رخ داده باشد، ولی ۱۵ سال از وقوع آن بگذرد و تعقیبی نسبت به آن جرم صورت نگیرد، با گذشت این مدت دیگر قابل تعقیب نیست و نمی‌توان متهم را تعقیب کرد یا برای او تشکیل پرونده داد. (اسکینی، ۱۳۸۳:۱۳۷)

چون مقررات راجع به مرور زمان علی‌الاصول مخالف قواعد موجد حق است و جنبه استثنایی بر آن قواعد را دارد، در صورت شک در سعه و ضیق مقررات مرور زمان باید از این مقررات تفسیر مضیق کرد. لذا

همان طوری که از قوانین به دست می‌آید در حقوق خانوادگی و غیر مالی مرور زمان اثر ندارد. بنابراین می‌توان گفت مرور زمان مخصوص مقررات مالی است. هم چنین ماده ۷۵۷ قانون آیین دادرسی مدنی سابق بیان می‌کرد که نسبت به املاکی که در دفتر املاک به ثبت رسیده است، مرور زمان جاری نمی‌شود. (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۳۱۰)

در سوی دیگر مواعد قانونی وجود دارد. مواعد قانونی مواعیدی است که قانون گذار برای انجام عملی پیش بینی و طول آن را مشخص کرده است. در احتساب مواعد قانونی سال ۱۲ ماه و ماه ۳۰ روز و هفته هفت روز و شبانه روز ۲۴ ساعت است. در احتساب مواعد چنانچه روز آخر موعده مصادف با روز تعطیلی ادارات باشد و یا جهت آماده نبودن دستگاه قضایی مربوط امکان اقدامی نباشد آن روز به حساب نمی‌آید و روز آخر موعده روزی خواهد بود که ادارات بعد از تعطیل یا رفع مانع باز می‌شوند.

رعایت نشدن مواعد قانونی علی‌الاصول موجب می‌شود حقی که ذی نفع در انجام عمل مربوط داشته است ساقط و ضمانت اجرای قانونی به او تحمیل شود.

حال پس از گذشت بیش از سه ده از استقرار جمهوری اسلامی و ایجاد نهاد مجمع تشخیص مصلحت نظام که تاکنون حتی به وضع قوانین نیز اقدام نموده است که گامی فراتر از حل اختلاف مجلس و شورای نگهبان در انطباق قوانین با شرع انور است و رو برو بودن با واقعیت گریز ناپذیر ارجاع دعاوی کهنه و مندرس مدنی به دادگاهها که زیر گرد و خاک گذر روزگار چنان پنهان است که تشخیص سره از ناسره و حق از ناحق و راستی از کژی اگر نا ممکن نباشد بسیار سخت و صعب است و کاری بس توانفرساست که اعتماد بر ادله و مستندات دو سوی دعوا بار سنگینی بر وجدان دادرس است که گرد و غبار روزگار راهش را به سوی حقیقت تیره و تار کرده است؛ ضرورت احیا مرور زمان را در دعاوی مدنی فراهم آورده است.

شاید یکی از دغدغه های عمده برای پرهیز از بحث مرور زمان قربانی شدن عدالت پای نظم عمومی جامعه باشد و چنین استدلال شود شرع اسلام ترجیح نظم بر عدل را تجویز نمی کند.

در این عصر ارتباطات و بالا رفتن سطح دانش و آگاهی اجتماعی شهروندان، مردم به راحتی از تعرضات احتمالی به حقوق و اموال مطلع می گردند و با فرصت موسعی که قانون مقرر کرده است می توانند به مرجع قضایی جهت تظلم خواهی مراجعه نمایند و در دادگاهها به جستجوی عدالت قضایی بپردازند و در پی اثبات حقوق خویش باشند و مراحل دادرسی را صدور حکم نهایی طی نمایند؛ این عادلانه ترین رفتار حاکمیت با شهروندان است که در فرصتی گسترده به دعاوی آنها گوش دهد و چون این فرصت سپری شد چنان برداشت کند که خواهان، نخواستن را برگزیده و از حق احتمالی خود گذشته و از آن دوری جسته است. (اعراض از حق) یا اینکه چنان بیخیال بوده و کار امروز به فردا افکنده که تا جنبیده است گستره زمان را از دست داده است و خود خواسته به وقت مناسب خواسته اش را به دادگاه نبرده است. (قاعده اقدام)

با این اوصاف چرا باید که حاکمیت را ناچار و ملزم به استماع دعاوی کرد که مدعیان آن با دیر جنبیدن حتی توان و قدرت استدلال را از اسناد و ادله اثباتی خود تا حدود زیادی گرفته اند و کار را بر وجدان دادرس سخت کرده اند؟ دور از ذهن نیست که در مانحن فیه باید که نظم عمومی و آسایش اجتماعی را پیش انداخت و به برقراری مجدد مبحث مرور زمان و مواعد قانونی در دعاوی مدنی همت گماشت که کاری شایسته در گسترش بهداشت روانی شهروندان و بهداشت قضایی جامعه نیز می باشد لذا در این پایان نامه به بررسی و مقایسه مواعد قانونی و مرور زمان در قانون آیین دادرسی مدنی می پردازیم و بررسی خواهیم کرد که مواعد دادرسی در آیین دادرسی مدنی ایران چگونه می باشند؟ و تفاوت های آن ها با مرور زمان در قانون آیین دادرسی مدنی چه می باشند؟

## ۲.زمینه، سابقه و تاریخچه پژوهش

در تاریخ حقوق ایران اگر چه بین حقوقدانان اختلافی نیست که مرور زمان در حقوق جدید متخذ از حقوق اروپاست که آن هم از حقوق رم اقتباس گردیده<sup>۱</sup> لکن اسناد مهم تاریخی چنین حکایت دارد که از دیرگاه پدیده مرور زمان، مورد توجه حاکمان مشرق زمین بوده است<sup>۲</sup> به وجهی که در فرامین پادشاهان و فرمانروایان نمودهای روشنی از پدیده مرور زمان به عنوان سببی جهت متوقف کردن دعوی مشمول گذشت زمان به چشم می خورد که ذیلاً به ذکر چند سند تاریخی بسنده می کنیم :

۱. یرلیغ ( فرمان ) سلطان محمود غازان در باب مرور زمان مسقط دعوی.<sup>۳</sup>

۲. به فرمان سلطان محمود غازان در یرلیغ، منصب قضا از قیود و شروطی که متعارف و معهود است مذکور بود که باید قاضی را هیچ آفریده از حکام ، امراء و وزراء به خانه خود نطلبد و همه کس جهت فیصل قضایا به دارالقضاء رود و قاضی به هیچ علت و بهانه از مردم چیزی نگیرد و هرگاه حجتی نویسد قبالة کهنه را در طاس عدل بشوید و ایضاً قبالة ای که تاریخ کتابت آن سی سال زیاده باشد هم در آن طاس نابود گرداند.

۳. چون همگی همت ما بر این است که امور جمهور بر نهج عدالت فیصل پذیرد و موارد نزاع از میان خلائی ارتفاع یابد و حقوق در مراکز خویش قرار گرفته ابواب تزویر مسدود گردد چون گرت به حضور قضاه

<sup>۱</sup> نظریه شماره ۷/۲۹۹۱ مورخه ۷۴/۶/۱۲ اداره حقوقی دادگستری، مجموعه نظریات ... و همچنین نظریه مورخه ۱۳۶۶/۱۰/۲۶ کمیسیون قوانین جزائی اداره حقوقی .  
<sup>۲</sup> برخی از مؤلفین حقوق اسلامی همانند دکتر صبحی محمصانی در "النظریه العامه للموجبات والعقود" پنداشته اند که مرور زمان به کیفیتی که در حقوق اروپایی است در حقوق اسلام اساساً نیست و تنها موردی که در فقه سابقه دارد در فقه حنفی و مالکی است که مرور زمان را در عدم پذیرش دعوی در محکمه مؤثر دانسته اند . (عدل، ۱۳۸۲ ، ص ۲۹۹) .  
<sup>۳</sup> متن عبارت سند چنین است : "... چه بسیار است که شخصی ملکی داشته باشد که آن را انشاء و احداث کرده یا از دیگری به وی رسیده و بر ملکیت و استحقاق او وثائق و حجج شرعی نوشته به حکم قضا و حکام شرع مؤکد و مسجل گشته ، بعد از مدتی مدید آن ملک به نقلی شرعی از وی به غیر منتقل شده و از آن به غیر دیگری و " علم جراً " و آن حجتها در خانه مالک اول مانده و بدست چند وارث گذشته بعد از مدتی متطول و عهده متکامل یکی از وارثان فرصت جوی آن حجتها بیرون می آورد و به احتجاج می کند که در فلان تاریخ ملک جد من بوده است و امروز به حکم ارث به من می رسد و جمعی به تحمل از جمعی دیگر بر صحت استحقاق او به طریق ارث گواهی می دهد . منازعات ومقالات میان ایشان به تطویل می انجامد و بعضی از قضا در بعضی از ولایات که در دیانت وتقوا و علم فقه و فتوی قدمی راسخ و نصایی کامل نداشته باشند ، بغور حال نارسیده و حق از باطل تمیز ناکرده ، یمن حکمی کنند که مستلزم ذهاب حقوق مستحقان باشد . بنابراین مقدمات ، و آنکه پیش از این سلاطین ماضی و خلفای ماتقدم برای احتراز از مسائل این احتمالات حکم کرده اند که دعوی که بعد از سی سال که آن را در عرف یک قرن می خوانند در املاک و اسباب مسموع و مقبول ندارند و اعتبار نهند و چون در این باب رجوع با تأویل ائمه و اجتهادات علما کرده چنان معلوم شد که جمعی صغیر و جمعی کثیر از ائمه و علمای متأخر اتفاق و اطلاق کرده اند بر آنچه که اگر دو شخصی در یک موضع باشند ویکی متصرف ضیاعی ( ملکی ) مبین باشد و در آن موضع حاکمی عادل و قاضی نافذ الحکم حاضر و مانع و واژه دیگر از دعوی اظهار استحقاق ظاهراً موجود نه و در مدت سی سال کامل بگذرد ویکی از ایشان بر دیگری که صاحب ید و متصرف باشد دعوی نکند بعد از آن متمکن آن دعوی نباشد و قاضی آن دعوی را مسموع و مقبول ندارد و التفت نماید ... " خواجه رشید الدین فضل الله همدانی، جامع التواریخ ، به کوشش دکتر بهمن کریمی ، ج۲، انتشارات اقبال ۱۳۳۸ ، ص ۱۰۰۹ و ۱۰۱۰

و علماء یرلیغ فرمودیم که در فصل قضایا و برایا بر وجهی که مقتضی شریعت غرا باشد واز شوائب تزویر و مداهنه معری بود امعان نظر کنند و قبالات را که مدت سی سال دعوی نکرده باشند مروری آن را دستور ساخته خواهد کرد که به حمایت قوی دستی مدعای باطل خود را به ثبوت رسانده اصلاً مسموع ندارند و مدافعه آن قضیه نکنندو هیچ آفریده را مجال تمرد ندهند و اگر یکی از اهل اقتدار از ایشان الحاح فرماید و از مقتضای رفیع تجاوز نماید کیفیت عرضه داشته کند تا بروجهی او را سیاست فرمائیم که موجب عبرت عالمین گردد و سوادها نزد جمیع فضات ممالک فرستاده و از تمامی قضات وثیقه و مهر ایشان گرفته که اگر دعاوی سی ساله مرافعه کنند مستحق تعزیر و تأدیب و مستوجب عزل باشند.<sup>۱</sup> پس از دوره ملکشاه سلجوقی مسأله طرح دعاوی کهنه مربوط به اسناد قدیمی مشکلاتی را باعث می شد و مالکیتهای مسلم را سست می نمود . ملکشاه با هدایت خواجه نظام الملک دستور العملی برای قضات صادر کرد که از قبول دعاوی کهنه امتناع ورزند و بطور کلی هرگونه سند و دعوایی را که سی سال از آغاز تاریخ آن می گذشت در محضر قاضی غیر قابل قبول شمارند.<sup>۲</sup>

روند وضع و عمل به قواعد مرور زمان در نظام حقوقی ایران همواره با تنشهایی همراه بوده است که این روند در دو مرحله تاریخی قبل و بعد از انقلاب اسلامی بطور جداگانه بررسی می شود.

## الف. قبل از انقلاب

اصطلاح « مرور زمان » اولین بار در ماده سوم قانون راجع به مرور زمان غیر منقول مصوب ۲۱ بهمن ماه ۱۳۰۶ به کار گرفته شد.<sup>۳</sup> دو سال بعد به موجب قانون ۱۳۰۸ قاعده مرور زمان تعمیم یافت و شامل اموال

<sup>۱</sup> نقل از رساله قانون مرور زمان از نظر فقهای اسلامی به قلم عبدالصاحب صفایی و به همین مضامین ر.ک. خواجه رشید الدین فضل الله ، جامع التواریخ ، ج ۲ ، انتشارات اقبال ، ۱۳۳۸ ، ص ۱۰۰۵ تا ۱۰۰۸ .

<sup>۲</sup> محیط طباطبایی ، دادگستری در ایران در دوره اسلامی ، ص ۲۳ .

<sup>۳</sup> لازم به ذکر است که پدیده مرور زمان در قوانین قبل از ۱۳۰۶ در نظم حقوقی ایران مطرح شده از جمله تصویبنامه مورخ ۱۳۳۴ ه. ق. هیأت دولت وقت ویا قانون تجارت ۱۳۰۳ ه.ش. ولی در این قوانین از اصطلاح مرور زمان استفاده نشده است .



منقول نیز گردید . سپس در سالهای ۱۳۱۰ و ۱۳۱۲ اصلاحاتی در آن به عمل آمد تا اینکه بالاخره در سال ۱۳۱۸ با جمع بندی تجاری که در نتیجه اجرای این قوانین به وجود آمده بود، مرور زمان باب مستقل و جامعی را در قانون آیین دادرسی مدنی تحت عنوان باب یازدهم به خود اختصاص داد که این مقررات تا پس از انقلاب اسلامی در محاکم مجری بود. در طول چهار سال پس از انقلاب اسلامی یعنی تا سال ۱۳۶۱ نیز مصوبات شورای انقلاب در مورد لایحه قانونی تشکیل دادگاههای عمومی و لایحه تشکیل دادگاههای مدنی خاص در تعیین مهلت برای تجدیدنظر آراء و اصلاح ماده ۲۸۶ و ۲۸۷ قانون تجارت در افزایش مرور زمان دعوی اسناد تجاری نشانگر پذیرش این پدیده از سوی نهادی است که فقهای بنامی مانند بهشتی و مطهری در آن شرکت داشتند .

#### ب. بعد از انقلاب اسلامی ( از سال ۱۳۶۱ )

اولین برخورد با پدیده مرور زمان را می توان از سوی فقهای شورای نگهبان دانست . نظرات آن شورا حول چهار موضوع قابل تفکیک است . مرور زمان دعاوی کیفری، دعاوی حقوقی ، تجدیدنظر خواهی، و دعاوی تجاری<sup>۱</sup> .

#### تحقیقات انجام شده در این زمینه

درباره موضوع این تحقیق تاکنون تحقیق کاملاً مشابه به عنوان انجام نشده است. نزدیک ترین موضوعات

به موضوع تحقیق بدین صورت می باشد :

---

<sup>۱</sup> در خصوص حدود صلاحیت شورای نگهبان در اظهار نظر نسبت به قوانین سابق و مصوبات مجلس شورای ملی وسایر نهادهای قانونگذاری قبل از انقلاب ، اختلاف نظرهای فراوانی وجود دارد که به منظور رعایت اختصار از طرح آن مباحث در این مقاله خودداری شد ، ولی توصیه می شود خوانندگان محترم این مقاله مروری بر این مباحث که به وسیله نویسندگان و محققین برجسته طرح و تبیین شده است بفرمایند ( از جمله مقاله سید محمد خامنه ای ، مجله قانون وکلاء ، شماره ۴ جدید، کاتوزیان ، مقدمه علم حقوق ، چاپ ۱۷، شماره ۱۴۱ ) .

نصرالله پور (۱۳۶۲)، در پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان « مرور زمان در حقوق کیفری ایران» به بررسی این موضوع پرداخته است. در این پژوهش علاوه بر تعریف لغوی و اصطلاحات مرور زمان به فلسفه ایجاد مرور زمان و نظرات مختلف در توجیه و رد آن و اقسام مرور زمان اعم از مرور زمان حقوقی و مرور زمان جزایی بیان شده است.

اتقایی کردکلابی (۱۳۸۰)، در پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان « مرور زمان کیفری در حقوق ایران» به بررسی این موضوع پرداخته است. در این پژوهش به سوابق تاریخی مرور زمان کیفری در ایران پرداخته شده و نظرات موافق و مخالف دانشمندان نیز مورد تحلیل قرار گرفته است. نتیجه ای که از این پژوهش می توان برداشت کرد: ضرورت تدوین و تصویب مقررات مرور زمان کیفری و توسعه آن در قوانین جزایی، نقص مقررات جدید مرور زمان کیفری و لزوم اصلاح و تکمیل آن است.

ساریخانی (۱۳۸۱)، در پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان « مطالعه تطبیقی مرور زمان در حقوق کیفری اسلام، ایران، فرانسه و مصر» به بررسی این موضوع پرداخته است. در این پژوهش به بررسی مرور زمان در سه کشور ایران، فرانسه و مصر پرداخته شده است.

هاشمی (۱۳۹۱)، در پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان « تمدید مواعد و مهلت ها در دادرسی مدنی » به بررسی این موضوع پرداخته است. در این پژوهش اینگونه بیان شده است " در ماده ۴۵۱ ق.آ.د.م به تمدید مهلت های قانونی طرق شکایت از آراء پرداخته و ضمن بیان اصل عدم تمدید این نوع از مهلت ها، تمدید آن را در موارد مصرحه قانونی؛ یعنی معاذیرموجه مندرج در ماده ۳۰۶ ق.آ.د.م و موارد مندرج در مواد ۳۳۷ و ۳۳۸ ق.آ.د.م پذیرفته است و پیرامون مهلت های قانونی غیر طرق شکایت از آراء نیز، ضمن پذیرش تمدید آن در صورت حدوث سهو یا خطا در اعلام مهلت، صرفا حدوث معاذیر مندرج در ماده ۳۰۶ ق.آ.د.م را موجب

تمدید این نوع از مهلتها دانسته است لکن نباید چنین برداشت کرد که موارد مندرج در مواد ۳۳۷ و ۳۳۸ ق.آ.د.م موجب تمدید این نوع از مهلت نمیگردند و سکوت قانونگذار را باید حمل بر مسامحه نمود."

سلیم زاده مرکید (۱۳۹۲)، در پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان « بررسی مرور زمان دعاوی ناشی از قراردادها در حقوق ایران و اسناد بین المللی » به بررسی این موضوع پرداخته است. هدف از این پژوهش برجسته کردن ضرورت احیای باب مرور زمان مدنی در نظام حقوقی ایران می باشد که سعی شده با مراجعه به کتب حقوقی و فقهی و دست یابی به نظرات حقوقدانان و بررسی مواد مختلف راجع به مرور زمان در اسناد بین المللی راجع به قراردادها، راهکاری برای قانونگذار در جهت تدوین مواد نو و مطابق با نیازهای روز ارائه شود. در این پژوهش اینگونه بیان شده است "

لرستانی (۱۳۹۲)، در پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان « مرور زمان کیفری در ایران با نگاهی به اسناد بین المللی » به بررسی این موضوع پرداخته است. در این پژوهش اینگونه بیان شده است که " در ماده ۲۹ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی چنین مقرر شده است حرایمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دیوان است مشمول مرور زمان نخواهد شد که این جرایم عبارتند از: نسل کشی، جنایات ضد بشریت، جنایات جنگی، جنایات تجاوز هدف از انتخاب این موضوع به عنوان پایان نامه، دستیابی به این نتیجه است که مقررات مرور زمان در چه مواردی در قوانین داخلی و بین المللی پذیرفته شده است. "

واحدی پور دهرایی (۱۳۹۲)، در پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان « بررسی فقهی - حقوقی مرور زمان در حقوق کیفری ائران با تأکید بر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ » به بررسی این موضوع پرداخته است. در این پژوهش بیان می دارد " نهاد مرور زمان جزء لاینفک حقوق و در عصر حاضر اجتناب ناپذیر می باشد. و چیزی نیست که بتوان به راحتی از آن دست شست و به گرد فراموشی اش سپرد و ردّ و